

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: سیامک م.

۰۷ اکتوبر ۲۰۱۸

ما اکنون بسیاریم



این روزها یادآور قتل ویکتور خارا نیز می باشد که به شکل فجیعی در ستادیوم سانتیاگوی چیلی به همراه چند هزار تن دیگر کشته شد. آوازه خوانی که چنین سرود:

آری گیتار من کارگر است.

که از بهار می درخشد و عطر می پراکند.

از گورستان پر لاشز پاریس تا خیابانهای جاکارتا اندونزی،

از ستادیوم سانتیاگوی چیلی تا تمامی زندان های ایران،

“خاوران” های روی دست ما گذاشتند تا همچنان بساط استثمار پابرجا بماند. ما،

اما بسیاریم و صدایمان هنوز بلند است.

با هم سروده "انسان خالق است" از ویکتور خارا را می خوانیم، کسی که سرود خوانان مرگ را مغلوب کرد:

"انسان خالق است"

همانند بسیاری دیگر،

من عرق ریختن آموختم،

نه فهمیدم که مدرسه چیست

و نه دانستم بازی چه معنا دارد.

در سپیددم،

آنها مرا از رختخواب بیرون کشیدند

و در کنار پدر

با کار بزرگ شدم.

تنها با تلاش و پشتکار

به‌عنوان نجار و حلب‌ساز
به‌عنوان بنا و گچ‌کار
و به‌عنوان آهنگر و جوشکار
سخت کوشیدم.

آی پسر! چه خوب می‌شد اگر من سواد می‌داشتم و آموزش می‌دیدم،
زیرا که در بین تمام عناصر
انسان یک خالق است.

من خانه‌ای بنا می‌کنم.
یا جاده‌ای می‌سازم.
من به شراب مزه می‌دهم.
من دود کارخانه را بلند می‌کنم.
پستی‌های زمین را مرتفع می‌کنم.
ارتفاعات را مُسخر می‌کنم.
و به‌سوی ستارگان می‌تازم.
و در انبوه جنگل، کوره راه باز می‌کنم.

من زبان آقایان را آموختم.
و همین‌طور زبان مالکین و اربابان را
آن‌ها اغلب مرا کُشتند
چرا که من صدایم را علیه آن‌ها بلند کردم.

اما من خود را از زمین بلند می‌کنم
زیرا که دستانی مرا یاری می‌دهند،
زیرا که من دیگر تنها نیستم
زیرا که ما اکنون بسیاریم